

ضرورت قانون‌گذاری در مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع^۱

داود آنامرادنژاد* سام محمدی** سیدحسن حسینی مقدم***

چکیده

تعارض منافع از جمله موقعیت‌هایی است که می‌تواند زمینه‌ساز بروز فساد شود. به منظور مدیریت این موقعیت‌ها و مقابله با آثار سوء آن، راهکارهای متعددی در حوزه‌های مختلف بکار گرفته شده است. آنچه این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن است، این پرسش اساسی است که آیا مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع مستلزم قانون‌گذاری مستقل است؟ و قانون به چه طریقی می‌تواند به مدیریت این موقعیت‌ها کمک کند؟ پژوهش حاضر از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و با جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی-کتابخانه‌ای و بررسی تجربیات کشورهای دیگر و دکتترین حقوقی به این نتیجه دست یافته است که موقعیت‌های تعارض منافع زمین‌های بروز شخص‌محور و ساختارمحور دارد. زمین‌های شخص‌محور عمدتاً مشابه با یکدیگر بوده که با تصویب قوانین کلی و جامع می‌توان به کنترل این بخش از تعارض منافع کمک کرد. از طرفی زمین‌های ساختارمحور تعارض منافع به علت تفاوت ساختاری نهادها با یکدیگر، نیازمند توجه خاص و تصویب قوانین موردی و اختصاصی است. تصویب لایحه «نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی» می‌تواند تا حد زیادی پوشش‌دهنده زمین‌های شخص‌محور تعارض منافع باشد که در کنار تصویب قوانین و مقررات اختصاصی، به ضرورت مقابله و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع در ایران پاسخ دهد.

۱. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دوره‌ی دکتری تخصصی نویسنده‌ی مسئول تحت عنوان «مبانی و آثار تعارض منافع در حقوق

ایران» با راهنمایی آقای دکتر سام محمدی و مشاوره‌ی آقای دکتر حسن حسینی مقدم در دانشگاه مازندران است.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
moradnejad@stu.umz.ac.ir

** استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
s.mohammadi@umz.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

واژگان کلیدی: تعارض منافع، قانون‌گذاری، مبارزه با فساد، مدیریت حقوقی، نمایندگی.

سرآغاز

آدمی از دیرباز کم‌وبیش در موقعیت‌هایی قرار گرفته که لازم بوده با تصمیم خود، میان دو یا چند گزینه یکی را انتخاب کرده و بر دیگری چشم ببوشد. موقعیت‌هایی که شخص می‌توانسته به‌عنوان فردی مسئولیت‌پذیر به تعهدات خویش عمل کند و یا با عدول از وظیفه، منفعی به دست آورد. موقعیت‌هایی که انتخاب را همواره با سختی مواجه کرده و شخص به فراخور موضوع، اهمیت و میزان منافع خود و دیگری، یکی را بر دیگری ترجیح داده است. چگونگی پاسخ و انتخاب صحیح در چنین موقعیت‌هایی همواره موضوع آرای عالمان اخلاق، دین و به‌طور کلی علوم انسانی قرار گرفته و هر یک سعی کرده‌اند نسبت به موضوع، پاسخی شایسته داده، آدمی را در اتخاذ رویکردی صحیح کمک کرده و به نظم و نسق‌دهی و انسجام جامعه کمک کنند. در نگاه اندیشمندان حقوق نیز موضوع مورد توجه بوده و تعیین راه‌حل و مشخص کردن ضمانت اجرا در موارد عدول از راستی را می‌توان در نمونه‌های متعدد جزئی مورد شناسایی قرار داد. هیچ مدیر شرکتی اجازه رقابت با شرکتی که مدیریت آن را عهده‌دار شده ندارد و نمی‌تواند دیون خویش را توسط شرکت تضمین کند؛ دادرسان هم از قضاوت نسبت به بستگان و نزدیکان خود منع شده‌اند تا مبدا عدول از عدالت، عملکرد بی‌طرفانه ایشان را خدشه‌دار کند و بسیاری مصادیق دیگر که به سادگی نمی‌توان همه موارد آن را در قوانین جست‌وجو و احصاء کرد.

با گذشت زمان و تخصصی شدن امور و به تبع آن افزوده شدن بر تعداد وظایف تخصصی و نیابتی، بر تعداد موقعیت‌های تعارض منافع و سوءاستفاده از آن‌ها افزوده شده است. در چنین شرایطی لازم است نقش قانون نیز در مدیریت چنین موقعیت‌هایی روشن شود؛ به عبارت دیگر باید مشخص شود آیا قانون‌گذاری در مدیریت تعارض منافع نیازمند تقنینی مستقل و اتخاذ رویکردی متفاوت با گذشته است؟ اگر چنین است،

راهکارهایی که قانون‌گذار لازم است از آن‌ها برای اجتناب از فساد استفاده کند چیست؟ در این مقاله به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های مذکور به‌عنوان سؤالات اصلی این پژوهش، سعی می‌شود با روشی توصیفی تحلیلی و پس از تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، با ترسیم تصویری از مفهوم تعارض منافع، راهکارهای مدیریت این موقعیت‌ها مشخص شده، وضعیت نظام حقوقی ایران نسبت به این راهکارها ارزیابی شود.

۱. مفاهیم و مبانی نظری

در این قسمت مفهوم، عناصر تشکیل‌دهنده تعارض منافع و تاریخچه بحث مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۱. مفهوم

برای شناخت تعارض منافع، برخی به ارائه تعریف روی آورده و در تعریفی مجمل از این مفهوم گفته‌اند که تعارض منافع برخورد و مقابله علایق شخصی افراد از یک سو و وظایف و تعهدات حرفه‌ای ایشان از سوی دیگر است (Moore, et al, 2005: 203). در تعریفی دیگر تعارض منافع به وضعیتی اطلاق شده که در آن شخصی مانند یک مقام دولتی، کارمند یا یک متخصص، دارای سطحی از منافع شخصی یا خصوصی است که به‌صورت بالقوه می‌تواند بر انجام عینی وظایف رسمی او تأثیر بگذارد (MacDonald, et al, 2002: 68). همچنین در تعریف دیگری که در راهنمای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ برای مدیریت تعارض منافع در خدمات عمومی ارائه شده است، تعارض منافع به وضعیتی اطلاق شده که بین وظایف عمومی یک مقام رسمی و منافع شخصی و خصوصی او به‌گونه‌ای تعارض ایجاد می‌شود که می‌تواند بر عملکرد وی تأثیر بگذارد

۱. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (انگلیسی: Organization for Economic Co-operation and Development یا OECD) سازمانی است بین‌المللی دارای ۳۵ عضو که اعضای آن متعهد به اصول دموکراسی و اقتصاد آزاد هستند. این سازمان به تعبیری عمده‌ترین سازمان بین‌المللی تصمیم‌گیرنده اقتصادی است.

(OECD, 2020: 6). لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی نیز با ارائه تعریفی در بند ۱ ماده ۱ خود، آن را موقعیتی می‌داند که منفعت شخصی اشخاص در انجام وظایف یا اعمال اختیارات قانونی آنان در تعارض با منافع عمومی قرار می‌گیرد و می‌تواند مانع انجام بی‌طرفانه و بدون تبعیض وظایف مذکور شود. برخی نیز سعی در توضیح مفهوم یادشده بدون تحدید آن در قالب تعریفی خاص کرده‌اند. این گروه تعارض منافع را وضعیتی می‌دانند که در آن شخص به جهت قرار گرفتن در رابطه‌ای خاص، بایستی نسبت به اتخاذ یک یا چند تصمیم اقدام کند. در چنین وضعیتی زمانی می‌توان از بروز تعارض منافع سخن گفت که نخست شخص لزوماً بایستی به جای دیگری تصمیم‌گیری کند و دوم، شخص از تمایل‌ها و گرایش‌های شخصی در خصوص موضوع برخوردار باشد (Davis and Stark, 2001: 8). چنان‌که از توضیح یادشده برداشت می‌شود تعارض منافع را بایستی به‌عنوان یک موقعیت شناخت و تعریف کرد و نه به‌عنوان یک فعل و اقدامی خاص (Puscasu, 2014: 134). فرد می‌تواند در موقعیت تعارض منافع قرار گیرد و اقدامی انجام دهد که مطابق معیارهای قانونی و عرفی، مطلوب و پذیرفته شده باشد یا بالعکس سوءاستفاده از موقعیت تلقی شود (Reed, 2010:5). به عبارت دیگر اگرچه این احتمال وجود دارد که در بسیاری از موقعیت‌های تعارض منافع، فرد از موقعیت پیش‌آمده به نفع و مطلوب خویش بهره‌برداری کند اما لزوماً تحقق تعارض منافع به وقوع فساد و زیر پا نهادن مسئولیت‌های شخص منجر نمی‌شود (Reed, 2009: 8). از همین رو، تعارض منافع را بایستی با فساد و آلوده شدن فرد به عدول از راستی و تأمین منافع خویش متمایز دانست (وکیلیان و درخشان، ۱۳۹۹: ۲۷۳).

تعاریف و توضیحات ارائه‌شده از تعارض منافع علیرغم تفاوت در عبارات، در معنی به هم نزدیک و مشابه یکدیگرند و کمتر اختلافی در آن وجود دارد (Soloveicik and Simanskis, 2017: 115). در ادامه به توضیح ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی موقعیت تعارض منافع خواهیم پرداخت.

۱-۲. عناصر تشکیل‌دهنده تعارض منافع

شکل‌گیری موقعیت تعارض منافع مستلزم جمع بودن شرایطی است که بدون وجود هر یک از آن‌ها، نمی‌توان از موقعیت تعارض منافع سخن گفت.

۱-۲-۱. مسئولیت: موقعیت تعارض منافع بدون داشتن مسئولیت قابل تصور نیست؛ خواه این مسئولیت جنبه‌ای عمومی داشته و به موجب قانون بر عهده فرد قرار گرفته باشد و خواه جنبه شخصی و با قراردادهای خصوصی ایجاد شده باشد. این مسئولیت می‌تواند از وکالت در انعقاد قرارداد خرید و فروش یک شی کوچک تا مسئولیت‌های کلان ملی متغیر و متفاوت باشد (Peters, 2012: 13).

بروز تعارض منافع مستلزم وجود مسئولیت است ولیکن وجود مسئولیت‌های متعدد و متعارض ضروری نیست. در بحث تعارض منافع آنچه بایستی مورد توجه قرار گیرد، نه تعداد نقش‌ها و مسئولیت‌های شخص بلکه منافع متعارض افراد است و این منافع متعارض می‌تواند تنها با داشتن یک مسئولیت نیز بروز کرده و تصمیم‌گیری و قضاوت صحیح و مورد انتظار فرد را تحت تأثیر خود قرار دهد. از این رو گفته شده برای تعارض منافع کافی است شخص یک مسئولیت و یک منفعت شخصی داشته باشد تا تعارض منافع شکل بگیرد. به‌عنوان نمونه فردی که به‌عنوان داور مسابقه فوتبالی انتخاب می‌شود که یکی از بازیکنان مسابقه فرزند اوست، در موقعیتی قرار گرفته که از طرفی به جهت نقش داوری خود، بایستی قضاوتی عادلانه داشته باشد و از طرفی به جهت نقش پدری خود موظف است نسبت به فرزند خود همواره رفتاری مهربانانه‌تر از غریبان داشته باشد و دو نقش مختلف او در این مثال به قضاوت صحیح او آسیب می‌زند؛ در حالی که اگر همین فرد میان دو تیم فوتبالی قضاوت می‌کرد که نسبت به برخی بازیکنان یکی از تیم‌ها عداوت شخصی می‌داشت، قضاوت او باز هم تحت تأثیر قرار می‌گرفت بی‌اینکه وی دارای نقش‌های مختلفی باشد. لذا آنچه اهمیت دارد شناخت تأثیرپذیری قضاوت است که می‌تواند در یک موقعیت و با یک مسئولیت ایجاد شود (Davis and Stark, 2001: 16).

۱-۲-۲. رابطه مبتنی بر اعتماد: شخص تصمیم‌گیر لزوماً بایستی در ارتباط با فرد دیگری باشد. منظور از این ارتباط، معنای کاملاً عرفی و کلی آن است که می‌تواند هرگونه ارتباط میان شخص تصمیم‌گیر و فرد یا افراد دیگر باشد که به منظور هدف یا اهداف خاصی شکل گرفته است. این ارتباط می‌تواند جنبه رسمی داشته باشد، مثل روابطی که مدیران شرکت با آن شرکت دارا هستند و یا به طور کامل غیررسمی باشد، مثل روابطی که دوستان با یکدیگر دارند. این روابط می‌تواند بسیار طولانی‌مدت باشد مثل روابطی که به‌طور معمول میان افراد دارای خویشاوندی برقرار است یا بسیار کوتاه‌مدت و در حد دقایقی گذرا باشد مثل رابطه‌ای که در آن شخص غریبه‌ای را به آدرس مدنظر او راهنمایی و هدایت می‌کند. آنچه در وجود این روابط شرط ضروری است، وجود اعتماد است؛ به این معنی که در این رابطه بایستی اقدامی که شخص انجام می‌دهد به جهت وجود اعتمادی باشد که طرف دیگر برای تصمیم‌گیری به او کرده است (Peters, 2012: 14). این اعتماد یا واقعاً بایستی شکل گرفته باشد یا بایستی به‌گونه‌ای باشد که فرض وجود اعتماد در این روابط بدیهی انگاشته شود؛ به این معنی که حتی اگر میان طرفین اعتمادی حقیقی وجود نداشته باشد، عملی که شخص به جای دیگری انجام می‌دهد مستلزم اعتماد فرد به شخص تصمیم‌گیر است تا شخص مسئول در راستای عمل به وظیفه خود، چشم بر منافع شخصی خود بسته و عمل به وظیفه را بر غیر آن ترجیح دهد (Valsan, 2016: 9). از این رو آن دسته از روابطی میان افراد وارد مصادیق تعارض منافع می‌شود که در آنها وجود اعتماد میان ایشان مفروض است. (Davis and Stark, 2001: 8)

۱-۲-۳. وجود منفعت: هر مسئولیتی که شکل می‌گیرد به جهت بهره‌مندی از منفعتی است که فرد متعهد می‌بایستی با ایفای نقش صحیح خود تأمین‌کننده آن باشد. به‌طور مثال یک وکیل با پذیرش وکالت دیگری، به دنبال تأمین منافع محتمل برای موکل خود است؛ خواه این منفعت جنبه مادی داشته باشد و خواه جنبه غیرمادی و خواه به شکل کسب سود مستقیم باشد و خواه به شکل دفع ضرر احتمالی جلوه کند. از این رو نمی‌توان وجود مسئولیتی را بدون وجود منفعت متصور شد (Kaufmann and Widiss, 1963: 190)، اما اگر

این منفعت مقصود، در تقابل با منفعت دیگری باشد که شخص مسئول به دنبال آن است، موقعیت تعارض منافع شکل می‌گیرد (Peters, 2012: 5).

این منفعت مغایر می‌تواند مستقیماً برای خود شخص مسئول یا برای خویشان و بستگان وی باشد و نیز می‌تواند برای دیگرانی باشد که به موجب سمت و نقش‌های دیگر، عهده‌دار تأمین منافع ایشان شده است. منفعت نیز می‌تواند از مصداقی کوچک و در روابط خصوصی افراد مثل معامله قیم با خود تا سطح کلان ملی متغیر بوده و منجر به بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر شود؛ به‌گونه‌ای که نمایندگان مجلس در صورت سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی، جایگاه شرکتی، داشتن شغل موازی، ارتباطات پسا‌شغلی، داشتن اطلاعات داخلی، دریافت هدایا و مزایا و لابی‌گری در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته و تأمین منافع ملی را به خطر می‌اندازند (زینالو و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۱۰۴).

۴-۲-۱. تأثیرگذاری تمایلات شخصی بر مسئولیت: فردی که مسئولیتی را عهده‌دار شده و دارای منفعتی مغایر با مسئولیت حرفه‌ای خویش است، زمانی در موقعیت تعارض منافع قرار می‌گیرد که منافع مغایرش، قدرت تصمیم‌گیری او را تحت تأثیر قرار دهد (Soloveicik and Simanskis, 2017: 113). به عبارت دیگر اگر عملی که شخص مسئول انجام می‌دهد مثل فرمول‌های ریاضی از قبل مشخص بوده و فرد تصمیم‌گیر عملاً گزینه‌هایی برای پیمودن مسیری دیگر نداشته باشد، نمی‌توان او را در موقعیت تعارض منافع دانست، زیرا اگرچه منافع شخصی او در تقابل با مسئولیت اوست ولیکن وی چاره‌ای جز عمل به وظیفه ندارد اما چنانچه او از اختیار در تصمیم‌گیری برخوردار بوده و این اختیار او قابلیت تأثیرپذیری از منافع شخصی وی را داشته باشد، تعارض منافع شکل می‌گیرد. تأثیرپذیری در تعریف تعارض منافع می‌تواند ریشه در احساس وفاداری، حس قدردانی و انجام وظیفه، نگرانی، عواطف شخصی و یا منافع مالی داشته باشد؛ با این وجود دو عامل عمده تأثیرگذار بر موقعیت‌های تعارض منافع روابط خویشاوندی و منافع اقتصادی هستند. به‌عنوان نمونه، گفته‌اند وقتی یک قاضی با پرونده‌ای مواجه می‌شود که یکی از طرفین آن دوست وی یا دشمن اوست، در موقعیت

تعارض منافع قرار می‌گیرد، زیرا حب و بغض شخصی او از طرفی و لزوم عملکرد حرفه‌ای وی از سوی دیگر، اتخاذ تصمیم شایسته از جانب او را با سختی مواجه می‌کند (Demmke, et al, 2008: 27).

بدیهی است هرگونه تأثیرپذیری در اتخاذ تصمیم را نیز نمی‌توان در چهارچوب موضوع تعارض منافع بحث کرد. عوامل متعددی بر تصمیم‌گیری و کیفیت آن مؤثرند؛ نور محیط در صورتی که کم‌تر یا بیش‌تر از حد معمول باشد، گرسنگی، وجود تنش در محیط، بیماری و وضعیت جسمی و روحی و امثالهم عواملی هستند که بدون تردید می‌توانند تصمیم‌های افراد را در لحظه تحت تأثیر قرار دهند؛ اما آیا می‌توان چنین موقعیت‌هایی را هم ذیل موضوع تعارض منافع بحث کرد؟ در پاسخ گفته شده جواب منفی به موضوع آن‌قدر بدیهی است که ما را از پرداختن به آن باز می‌دارد و می‌توان با کم‌ترین اندیشه‌ای موضوع تعارض منافع را به تصمیم‌گیری‌هایی محدود کرد که اتخاذ تصمیم در آن تحت تأثیر گرایش‌های شخصی مثبت و منفی فرد تصمیم‌گیر است و همه مواردی که تصمیم‌گیری‌ها به جهت گرایش شخصی افراد تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند، از محدوده بحث ما بیرون می‌افتند (Davis and Stark, 2001: 9-10).

۱-۳. تاریخچه

مفهوم تعارض منافع ابتدا با مطرح شدن در دانشکده‌های حقوق ایالات متحده مورد شناسایی قرار گرفت و با رشد نفوذ اقتصادی این کشور در اتحادیه اروپا و نیز سایر ملل، نگاه خاص ایشان در خصوص موضوع به سایر کشورها نیز بسط و سرایت یافت و امروزه مفهوم تعارض منافع در غالب کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا نظیر انگلستان، همانی است که در ایالات متحده مطرح شده است (Copeland, 1988: 256). برخی ریشه‌های این ایده را به مفاهیم آئین مسیحیت نسبت داده‌اند (Baker, 2002: VII) و این سؤال کلیدی را با بهره‌گیری از مفاهیم دینی طرح کرده و پرسیده‌اند آیا اساساً امکان دارد فردی برای دو ارباب خدمت کند؟ (Davis and Stark, 2001: 15) ولیکن به

نظر نمی‌رسد بتوان چنین ریشه‌ای را برای تعارض منافع مورد شناسایی قرار داد، زیرا قدمت اندیشه تعارض منافع به شیوه‌ای که اینک مورد بحث قرار گرفته، حتی به یک قرن نیز نمی‌رسد. اولین رأی صادره مبتنی بر مفهوم تعارض منافع در سال ۱۹۴۹ در دادگاه ناحیه‌ای نیویورک بوده (In Re Equitable Office Bldg. Corporation, 83 F. Supp.) (531 1949 Supp.) و بعدتر با طرح جدی‌تر موضوع به جهت گسترش نیابت و تخصصی‌تر شدن فعالیت‌های انسان عصر حاضر، به یک اصطلاح حقوقی تبدیل و برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ توسط فرهنگ لغت حقوقی بلک^۱، وارد اصطلاحات و تعابیر حقوقی شده است (Davis and Stark, 2001: 18).

۲. راهکارهای رفع و کاستن از آثار سوء تعارض منافع

علی‌رغم مخالفت برخی از صاحبان اندیشه با واکنش حقوقی به موضوع تعارض منافع و تأکید بر جنبه اخلاقی موضوع (Gneezy and Rustichini, 2000: 1)، به نظر می‌رسد گسترش روزافزون مسئولیت‌های تخصصی و واگذاری امور به دیگران، اهمیت فراوان مالی و اقتصادی موضوع، عدول روزافزون از تعهدات اخلاقی، تجربه مثبت کشورها در تصویب قوانین مرتبط و کاستن آثار منفی تعارض منافع با قوانین کار، همه از دلایلی است که ضرورت قانون‌گذاری در خصوص این موضوع را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، جایگاه اخلاقی موضوع نمی‌تواند مانع از پرداختن به جنبه‌هایی شود که آشکارا با زندگی و سرنوشت سایر افراد جامعه در ارتباط است. از این‌روست که لازم می‌آید تعارض منافع از خاستگاه اصلی خود که اخلاق است، فراتر رفته و شکلی حقوقی نیز به خود گیرد (Morreim, 2004: 543). امروزه حکمرانی خوب مستلزم داشتن سیاست‌های مناسب در موضوع تعارض منافع است و تأثیر مثبت قوانین و سیاست‌های مناسب در کاستن از آثار منفی تعارض منافع، امری ثابت شده است (Demmake, et al, 2020: 13).

1. Black's Law Dictionary

۱-۲. راهکارهای اختصاصی

موقعیت‌های تعارض منافع هر یک با دیگری متفاوت است؛ موقعیت‌هایی که یک قاضی دادگستری با آن مواجه می‌شود را احتمالاً نمی‌توان با تعارض منافی که یک نماینده مجلس یا پزشک معالج با آن درگیر است مقایسه کرده و حکمی یکسان برای ایشان صادر کرد (Cliza, 2017: 86). این تفاوت‌ها به جهت متفاوت بودن ساختار هر یک از موقعیت‌ها است که به جهت تفاوت ویژگی‌ها، توجه ویژه را نیز می‌طلبد (Sukhorolskyi and Hutsaliuk, 2020: 172).

به‌طور عمده آثار سوء تعارض منافع ریشه در دو عامل دارد؛ اولی ضعف‌های ساختاری و دیگری ویژگی‌های فردی و ضعف‌های شخصی فرد مسئول است. اثربخشی راهکارهای مدیریتی نیز وابسته به میزان توجه به عوامل فردی و ظرفیت‌های ساختاری است (Sandu and Stanciulescu, 2017: 121). آنچه ضرورت راهکار اختصاصی برای مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع را می‌طلبد، تفاوت در ضعف‌های ساختاری موقعیت‌های مختلف است. در شیوه‌های شخص‌محور سعی بر آن می‌شود تا با تمرکز بر فردی که احتمال سوءاستفاده از موقعیت خویش را داراست، از نتایج سوء آن جلوگیری شود. این شیوه‌ها عمدتاً با یکدیگر مشابه بوده و می‌تواند در بسیاری موارد اعمال و استفاده شود ولیکن اصلاح ساختاری به منظور کاستن از بروز موقعیت‌های تعارض منافع، نیازمند شناخت ساختاری هر نهاد، زمینه‌های بروز تعارض منافع و اتخاذ رویکرد جایگزین است. در اصلاح ساختاری به‌طور عمده تلاش می‌شود تا بررسی شود ساختار سازمانی چگونه به بروز تعارض منافع می‌انجامد و چگونه می‌توان از آن اجتناب کرد. این واقعیت هویدا، نافی ضرورت قانون‌گذاری و ضابطه‌مند سازی مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع نیست بلکه برعکس می‌تواند از ادله لزوم توجه بیشتر به موضوع باشد. تفاوت موقعیت‌ها، تفاوت رویکردهای مدیریت را می‌طلبد و از همین رو برخی کشورها به تصویب قوانین متعدد نسبت به مصادیق متعدد پرداخته و به وضع قانونی کلی برای موضوع اکتفا نکرده‌اند (Peters, 2012: 9).

۲-۲. راهکارهای عمومی مدیریت تعارض منافع

موقعیت‌های مختلف تعارض منافع و مدیریت صحیح آن‌ها اگرچه به جهت متفاوت بودنشان، تمایز و تفاوت در شیوه مدیریت را می‌طلبند اما برخی راهکارها در غالب این موارد کارگشا بوده و در مدیریت صحیح این موقعیت‌ها به کار می‌آیند. این راهکارها را می‌توان راهکارهای عمومی مدیریت تعارض منافع نام‌گذاری کرد و انتظار آن را داشت تا قوانین مصوب در حوزه مدیریت تعارض منافع به این راه‌حل‌ها توجه نشان داده و از آن‌ها برای کاستن آثار سوء این موقعیت‌ها بهره برد.

۲-۲-۱. ارائه تعریف و تکالیف به نحو مشخص

برای ضابطه‌مندسازی مدیریت تعارض منافع در آغاز لازم است منظور از تعارض منافع مشخص شود. ارائه این تعریف باعث می‌شود تا فرد متعهد بتواند تشخیص دهد آیا در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته است یا خیر. بدون وجود تعریفی مشخص، بسیاری از افراد دارای مسئولیت از وضعیت خود درک مناسبی ندارند. از سوی دیگر و بعد از مشخص کردن حدود و ثغور تعارض منافع، تکالیف فرد نیز باید به نحو مشخصی از پیش معلوم باشد تا هم از سردرگمی فرد مسئول در مواجهه با این موقعیت‌ها اجتناب شود و هم با پیش‌بینی سازوکار مناسب، امورات جاری به نحو صحیح خود ادامه پیدا کرده و متوقف نشود. به‌عنوان نمونه لازم است معلوم شود افراد در چه درجه‌ای از خویشاوندی یا چه میزان از منافع مالی، تکلیف به افشای آن دارند (Schenk and Johanson, 2021: 2).

۲-۲-۲. اعلام منافع مالی

شفافیت در تعارض منافع غیرمادی نظیر وابستگی‌های عاطفی و مشابه آن به جهت پیچیدگی و نبود معیارهای دقیق به سادگی قابلیت ثبت و پایش را ندارد ولیکن در حوزه منافع مالی به‌عنوان یکی از عمده‌ترین مصادیق تعارض منافع، می‌تواند راهگشا باشد. منافع و درآمدهای مالی در چهارچوب یک نظام منسجم و قاعده‌مند قابلیت ثبت و

نظارت دقیق را داراست (Garattini and Padula, 2019: 633) و چنین قابلیت در کنار اعلام منافع مالی و نظارت‌پذیری توسط افکار عمومی، می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها و پاسخگو کردن مسئولین کمک شایانی کند. اعلام دارایی‌های شخصی و خانوادگی و همچنین اعلام درآمدها و هدایا و منشأ دریافت آن‌ها، اصلی‌ترین منافع مالی هستند که لازم است به‌منظور اقدامی پیشگیرانه و نظارتی اعلام شوند. شفافیت مالی اگرچه خود به‌تنهایی کافی برای مدیریت تعارض منافع نیست، اما در کنار سایر ابزارها ضرورتی انکارنشدنی است و بررسی تجربه کشورهای نظیر ایالات متحده، استرالیا و فرانسه، ضرورت وجودی آن را تأیید می‌کند (Grundy, et al. 2018: 517).

۲-۲-۳. افشای وجود تعارض منافع

افشای وجود تعارض منافع از دهه نود میلادی به‌عنوان یکی از شیوه‌های اصلی در مدیریت این موقعیت‌ها شناخته می‌شود (Annane, et al. 2019: 13). علی‌رغم تردیدهایی که در کارایی افشاسازی تعارض منافع شده اما همچنان آن را بایستی از اصلی‌ترین راه‌حل‌های مدیریت این موقعیت‌ها در عمده کشورهای پیشگام در این حوزه دانست (Sah and Feiler, 2020: 88). این افشاگری ضمن کاستن از آثار روانی این موقعیت‌ها بر فرد مسئول، می‌تواند اعتماد عمومی به تصمیم یا اقدام انجام شده را موجب شود. در افشاگری موقعیت‌های تعارض منافع لازم است فرد مسئول پیش از قبول مسئولیت یا پیش از اقدام مربوطه، وجود منفعتهای شخصی خویش را به نهاد مربوطه اعلام کند (Resnik, et al, 2017: 29). به‌عنوان نمونه اگر شخصی در رابطه‌ای خصوصی، تعهدی را بر دمه پذیرفته بایستی وجود منافع شخصی خویش را در آن خصوص اعلام کند و اگر مسئولیتی در حوزه عمومی را عهده‌دار است می‌بایستی نهادی برای بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص صلاحیت وی برای پذیرش و ادامه کار او وجود داشته باشد. از سوی دیگر و به موازات لزوم افراد به افشای وجود تعارض منافع، بایستی سازوکار مناسبی برای افشای وجود تعارض منافع توسط دیگران نیز فراهم شود؛ به عبارت دیگر هم بایستی افرادی که در موقعیت‌های تعارض منافع قرار می‌گیرند مکلف به افشای آن

باشند و هم دیگر افراد جامعه این حق را در اعلام و افشای وجود این موقعیت‌ها دارا باشند تا نظارت عمومی نیز در کاستن از آسیب‌های تعارض منافع نقش خود را ایفا کند. لازمه این مهم، پیش‌بینی قواعد و ضوابطی است که از افشاگر حمایت لازم را به عمل آورد تا فرد افشاکننده بدون ترس و واهمه از عواقب احتمالی بعدی، به نقش و تکلیف اجتماعی خود عمل کند (دادخدایی، ۱۳۹۲: ۲۳۵-۲۳۶).

۲-۲-۴. اعمال ممنوعیت و محدودیت

ایجاد ممنوعیت و نیز تحدید اختیارات فردی از اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های مقابله با آثار سوء موقعیت‌های تعارض منافع است. در این راهکار، فرد به جهت ممنوعیتی که بر او تحمیل می‌شود اساساً فرصت سوءاستفاده را از دست می‌دهد و مخاطرات بعدی ناشی از این موقعیت‌ها زایل می‌شود. جدا کردن فرد دارای تعارض منافع از تصمیم‌گیری و دخالت در آن، از رویکردهایی است که همواره مورد پذیرش بوده و به‌طور گسترده‌ای مورد اعمال قرار می‌گیرد. این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های تحمیلی وابسته به نوع تعارض منافع و زمینه‌ها و آثار آن، در ابعاد و اشکال مختلفی بروز می‌کند؛ از ممنوعیت به‌کارگیری و استخدام یا محدودیت در اتخاذ تصمیم، دادن مشاوره و اقدام در برخی حوزه‌ها تا ممنوعیت از ادامه فعالیت و اخراج از یک سمت (Schenk and Johanson, 2021: 2).

۳. حقوق ایران

مفهوم تعارض منافع در حقوق ایران مغفول نبوده و بررسی قوانین در حوزه‌های مختلف و خصوصاً حقوق عمومی نشان از آن دارد که قانون‌گذار به بروز موقعیت‌های ایجادکننده تعارض منافع و آسیب‌های احتمالی ناشی از آن توجه داشته و سعی در کاستن این ابعاد نامطلوب داشته است. تلاش‌های صورت‌گرفته تقنینی در راستای مدیریت تعارض منافع در ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره‌ای که تا نیمه اول دهه نود شمسی ادامه

داشته و بدون به‌کارگیری مستقیم اصطلاح تعارض منافع، مفهوم آن و برخی ابعاد مهم‌اش را مورد توجه قرار داده و دوره‌ای که پس از تاریخ یادشده تعارض منافع به‌عنوان موضوعی اختصاصی، هدف واضعان قانون قرار گرفته است.

۳-۱. دوره اول

قانون‌گذار ایران از سال‌های اولیه تلاش خود برای وضع قوانین کارا، نسبت به موضوع تعارض منافع بی‌توجه نبوده است. این توجه را هم می‌توان از طرفی منبعت از سابقه فقه اسلامی دانست که بیگانه با موضوع نبوده و قاعده‌ای چون لاضرر و ضرورت احتراز از مواضع تهمت، فقیهان اسلام را به ضرورت مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع سوق داده است. از طرف دیگر ضرورت‌های عملی در تنظیم و تنسيق امورات جامعه و جلوگیری از شکل‌گیری بسترهای منجر به سوءاستفاده از موقعیت‌ها و همچنین بهره‌مندی قانون‌گذار از تلاش دیگر کشورها در پرداختن به نمونه‌های خاصی از تعارض منافع، باعث تصویب مقرره‌هایی شده که حکمت آن مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع و کاستن از آسیب‌های احتمالی آن است.

به‌عنوان نمونه موضوع رد دادرسی که ریشه در اخلاقیات دارد (پاشایی و معتمدی، ۱۳۹۸: ۷۶)، همیشه مورد توجه صاحبان اندیشه قرار گرفته و موضوعی مغفول نبوده است. قانون‌گذار در مبحث ایرادها و موانع رسیدگی، به موجب ماده ۹۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مواردی را به‌عنوان رد دادرسی تعیین کرده و مشابه با چنین مقرره‌ای را می‌توان در قانون آئین دادرسی مدنی ایران مصوب ۲۵ شهریورماه ۱۳۱۸ نیز یافت؛ به‌طوری‌که مبحث دوم فصل هشتم قانون یادشده به‌عنوان «رد دادرسی» نام‌گذاری شده و نُه ماده قانونی به موارد رد دادرسی و چگونگی عمل به این ضابطه اختصاص یافته است. وجه اشتراک موارد احصاء‌شده قانونی به‌عنوان مصادیق رد دادرسی، وجود علاقه و وابستگی نسبی قاضی به موضوعی است که او می‌بایست در آن خصوص به قضاوت بنشیند و احتمالاً ترس از همین

وابستگی است که قانون‌گذار را بر آن داشته است تا نسبت به سلب صلاحیت از قاضی دادگستری در خصوص آن موضوع خاص اقدام کند. فقهیان اسلامی هم بعضاً این اختیار را به حاکم اسلامی داده‌اند تا قاضی خویش را از قضاوت فی‌مابین اقارب خویش نهی کند، زیرا چنین محدودیتی مانع از آن می‌شود تا قاضی در حکم خویش، جانب‌داری کرده و یا در معرض تهمت خروج از عدالت و رعایت امانت قرار گیرد (زیدان، ۱۴۰۹ ق: ۴۹). قوانین دیگر کشورها و ازجمله فرانسه مواردی بیش از آنچه را که حقوق ایران برشمرده احصا کرده و مورد بهره‌برداری قانون‌گذار ایرانی نیز قرار گرفته است (شمس، ۱۳۸۹: ۲۳).

۳-۱-۱. ویژگی‌های دوره اول

در این دوره از قانون‌گذاری، از تعارض منافع به‌عنوان یک اصطلاح خاص نامی به میان آورده نمی‌شود اما مفهوم یادشده در برخی مصادیق آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در این دوره، قانونی جامع که هدف اصلی خود را مدیریت این موقعیت‌ها قرار دهد وجود ندارد، بلکه به فراخور موضوع قانون، سعی در تصویب مقرره‌ای مرتبط در مدیریت تعارض منافع می‌شود. این تلاش‌ها با گذشت زمان، حالتی کلی‌تر به خود گرفته و تلاش در جهت تصویب قوانینی جامع‌تر فزونی می‌گیرد. «لایحه‌ی قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری» مصوب ۱۳۳۷، «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی» مصوب ۱۳۷۲، «قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» مصوب ۱۳۷۳، «قانون مدیریت خدمات کشوری» مصوب ۱۳۸۶، «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۷، «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴، «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۹۰، «قانون رسیدگی به دارای مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۹۱ و «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۲ ازجمله این تلاش‌هاست.

اگرچه وجود این سابقه تقنینی حکایت از توجه قانون‌گذار به تعارض منافع دارد ولیکن نمی‌توان از نقایص موجود چشم‌پوشی کرد. ازجمله مهم‌ترین ایرادهایی که می‌توان در این دوره به قوانین مصوب وارد دانست آن است که نخست هدف اصلی این قوانین، پیشگیری از تعارض منافع یا مدیریت آن‌ها نیست که خود عامل اصلی در نقایص دیگر این قوانین از حیث مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع است. دوم، توجه صورت‌گرفته به تعارض منافع به صورت جزئی و موردی است و جامعیت لازم را حتی در خصوص جامعه هدف ندارد. به‌عنوان نمونه وقتی از ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل سخن به میان می‌آید، به دیگر ابعاد تعارض منافع توجهی نمی‌شود. سوم، در خصوص تصمیم‌ها و اقدام‌های صورت‌گرفته از سوی افراد قرار گرفته در موقعیت‌های تعارض منافع، کم‌تر مقرره‌ای موجود است و مشخص نیست آیا اگر فردی در موقعیت تعارض منافع بوده و با این وجود و بی‌توجه به آن اتخاذ تصمیمی کرده است، آیا عمل او واجد اثر خواهد بود یا خیر؟ عمده رویکرد قوانین یادشده در موقعیت‌های تعارض منافع، کیفری و جرم‌انگاشتن مصادیق آن است که کافی به مقصود به نظر نمی‌رسد. چهارم، قوانین مصوب این دوره، بسیاری از موقعیت‌های تعارض منافع را که واجد آثاری مهم و جدی هستند مورد توجه قرار نداده است. به‌عنوان نمونه نمی‌توان مقرراتی در خصوص تعارض منافع مقام‌ها، قانون‌گذاران، دارندگان وظایف و اختیارات نظارتی، محاسباتی، سیاست‌گذاری و مشابه آن پیدا کرد. پنجم، سازوکاری مناسب برای شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع پیش‌بینی نشده و نهادی که وظیفه نظارتی و پایشی در این خصوص داشته باشد در نظر گرفته نشده است.

۲-۳. دوره دوم: تمرکز بر موضوع تعارض منافع

خلاًها، نواقص و ضعف‌های موجود در قوانینی که توضیح آن گذشت، در کنار توجه به روند تقنینی دیگر کشورها و تغییر رویکرد مقابله سخت‌مبنتی بر کشف و تنبیه پس از کشف فساد به رویکرد نرم پیشگیرانه در جامعه جهانی (مرکز پژوهش‌های مجلس، معاونت

پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۸: ۱) موجب شد تا ایده تصویب قانونی مشخصاً در خصوص تعارض منافع شکل بگیرد تا ضمن پوشش کاستی‌های موجود، نهاد تعارض منافع را به طور مشخص وارد فرهنگ و نظام حقوقی ایران کند. اولین تلاش صورت‌گرفته در این خصوص، تنظیم پیش‌نویس لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی در سال ۱۳۹۶ بود که بارها به منظور اصلاح و تکمیل متن میان معاونت حقوقی و کمیسیون لوایح دولت در رفت‌وبرگشت بوده است. تأخیر در ارسال لایحه مذکور به مجلس یا رقابت در ابتکار قانون‌گذاری موجب شد نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در اسفندماه ۱۳۹۷ طرح مدیریت تعارض منافع را تهیه کنند که در بسیاری از جنبه‌ها مشابه لایحه تنظیمی توسط دولت است. از سوی دیگر معاونت حقوقی ریاست جمهوری طی بخشنامه‌ای به شماره‌ی ۵۷۰۷۱ مورخ ۱۳۹۷/۵/۰۳ به کلیه معاونان، مشاوران، مدیران، روسای امور و همکاران معاونت حقوقی، ضمن ارائه تعریفی از تعارض منافع، مقرر داشت هر یک از کارکنان آن معاونت چنانچه در موقعیت تعارض منافع قرار گیرند موظف‌اند ضمن اعلام کتبی موضوع، از مشارکت در تصمیم‌گیری، اقدام، دستور یا مشاوره در خصوص موضوع مربوطه خودداری کنند. هم‌چنین در تلاش دیگری در حوزه‌ی مدیریت تعارض منافع، طرح مبارزه با تعارض منافع و ممنوعیت دانشگاه‌های غیرانتفاعی در مجلس اعلام وصول شده که به موضوع تعارض منافع مقام‌های دولتی در حوزه آموزش عالی پرداخته است.

تلاش‌های یادشده که هیچ‌یک تاکنون به تصویب قانونی لازم‌الاجرا منتهی نشده است، صراحتاً تعارض منافع را هدف خود قرار داده و به تعریف آن، ارائه تصویری از مصادیق و نتایج عدول از مقررات پیش‌بینی‌شده پرداخته است. به هر حال به نظر می‌رسد مهم‌ترین و جدی‌ترین تلاش صورت‌گرفته در این خصوص را که از جامعیتی قابل‌تحسین برخوردار است، لایحه تنظیمی از سوی دولت است که ضمن پوشش نواقص موجود، تدابیری برای پیشگیری از بروز تعارض منافع و نحوه رفتار در موقعیت‌های تعارض منافع ارائه می‌دهد.

۳-۲-۱. ویژگی‌های لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع

لایحه مذکور واجد ویژگی‌های مثبتی است که باعث شده نسبت به تلاش‌های دیگر صورت گرفته متمایز شود. اولین و مهم‌ترین اقدام صورت‌گرفته در این لایحه، ارائه تصویری صحیح از نهاد تعارض منافع است. این تلاش بدو با تعریف تعارض منافع و در ادامه با بیان مصادیقی از آن سعی کرده موقعیت تعارض منافع برای فرد مسئول شناخته شده و روشن باشد تا در صورت قرار گرفتن در موقعیت مزبور، به تکالیف مقرر شده عمل کند.

دومین ویژگی لایحه مذکور، گستردگی و جامعیت پوشش اشخاص مشمول است. این لایحه سعی کرده نقیصه و خلأ موجود در خصوص شمول قانونی بسیاری از سمت‌ها و مشاغل را در خصوص موقعیت تعارض منافع برطرف ساخته و عمده ذی‌سمتان فعال به خدمات عمومی را پوشش دهد. این لایحه از مقام‌ها و مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی و واحدهای زیر نظر مقام رهبری تا افراد عهده‌دار یک یا چند امر عمومی مانند کانون وکلای دادگستری و حتی مدارس غیردولتی را مشمول مقررات خویش قرار داده است.

ویژگی مثبت دیگری که می‌توان در لایحه مذکور به آن اشاره داشت، پیش‌بینی تشکیلاتی برای مدیریت تعارض منافع و تصمیم‌گیری در خصوص موقعیت‌های یادشده است که به صورت کمیته‌ها و هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و شورای عالی در سطوح شهرستانی و استانی و کشوری تعریف و مشخص شده‌اند. تعیین مرجعی برای تصمیم‌گیری در خصوص تعارض منافع مقام‌های مختلف، خلأیی بوده که سعی شده با پیش‌بینی هیئت‌های یادشده، جبران شود.

ویژگی چهارم این لایحه، ارائه راه‌کاری قابل اجرا و نظارت‌پذیر برای مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع است. به‌موجب تکلیف پیش‌بینی شده در این لایحه، فرد مشمول مکلف است ضمن افشای موقعیت خویش و اعلام آن به نهاد مربوطه، از اتخاذ

تصمیم، اقدام و مشاوره خودداری کند و در صورت عدول، با مسئولیت اداری، مدنی و بعضاً کیفری مواجه خواهد شد.

لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی تلاش کرده تا راه‌حل‌های کارای موجود در قوانین پراکنده کنونی را گرد هم آورده و قانونی جامع در این حوزه پیشنهاد دهد و از همین رو، راه‌حل‌های پیش‌بینی‌شده بعضاً تکراری به نظر می‌رسد؛ به گونه‌ای که منع یا تحدید تصدی هم‌زمان دو یا چند شغل یا پست، منع و تحدید فعالیت در شرکت‌های تجاری، اعلام و تحدید کسب درآمد و ممنوعیت گرفتن هدیه در برخی قوانین و نسبت به برخی مشاغل و سمت‌ها پیش از این و در دیگر قوانین خاص مورد اشاره قرار گرفته ولیکن گستردگی شمول افراد تحت پوشش این لایحه و تعیین ضمانت اجرای عدول از آن و هم‌چنین امکان ابطال تصمیم‌ها و اقدام‌های فرد در موقعیت تعارض منافع، ویژگی‌های بدیعی است که مسبوق به سابقه نیست.

فرجام سخن

نظر به مباحث مطرح‌شده این نتیجه حاصل می‌شود که موضوع تعارض منافع اگرچه مفهومی جدید نیست و سوابق قانون‌گذاری نشان از توجه به موضوع دارد ولیکن روند رو به فزونی چنین موقعیت‌هایی و سوءاستفاده از آن‌ها موجب شده تا روند قانون‌گذاری شکل جدیدی به خود بگیرد. رویکرد جدید حاکم بر قانون‌گذاری در مدیریت تعارض منافع از حالت کلی و پراکنده قبلی خود به سمت قانون‌گذاری‌های اختصاصی در حال حرکت بوده و از نگاه آمرانه، محدود و ممنوع‌کننده، بالا به پایین و واجد وصف جزایی به سمتی سوق یافته که بر لزوم آموزش، تقویت ابزارهای نظارتی و ایجاد شفافیت بیشتر تأکید و تمرکز بیشتری دارد. در ایران نیز لایحه «نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی» با تعریف تعارض منافع، برای اولین بار اقدام به ارائه تصویری از مفهوم تعارض منافع کرده و

سعی در نظام‌مند کردن مدیریت تعارض منافع در عرصه ارائه خدمات عمومی کرده است. لایحه یادشده تلاش کرده از عمده راهکارهای عمومی مدیریت تعارض منافع بهره برده و به کاهش سوءاستفاده از موقعیت‌های تعارض منافع در ارائه خدمات عمومی کمک کند. از طرفی با توجه به تفاوت ساختاری نهادهای مختلف که منجر به شکل‌گیری وضعیت‌های متفاوت تعارض منافع می‌شود، توجه ویژه و اختصاصی به موضوع تعارض منافع در مشاغل و موقعیت‌های مختلف، امری مورد انتظار و ضروری به نظر می‌رسد که می‌تواند در کنار بهره‌مندی از راهکارهای عمومی به کاستن مخاطرات تعارض منافع منجر شود.



منابع

الف. فارسی

- پاشایی، حسین و جواد معتمدی (۱۳۹۸) «اصلاح فرایندهای قضایی در پرتو راهبرد رفع موقعیت تعارض منافع»، *حقوق خصوصی*، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۶۷-۸۸.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۲) «بررسی مفهوم «فساد» و رویکرد پیشگیرانه قانون‌گذار ایران در قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد»، *فصلنامه تعالی حقوق*، دوره جدید، شماره ۳، صص ۲۱۹-۲۴۰.
- زینالو، مهدی و دیگران (۱۳۹۸) «بررسی عوامل بروز تعارض منافع در نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، *سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۷.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷) *آئین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته)*، چاپ هجدهم، جلد دوم، تهران: انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۹) *آئین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته)*، چاپ شانزدهم، جلد سوم، تهران: انتشارات دراک.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۸) *گزارش کارشناسی درباره طرح مدیریت تعارض منافع*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- وکیلان، حسن و داور درخشان (۱۳۹۹) «راه‌کارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی با رویکرد تطبیقی» *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۴، شماره ۱۰۹، صص ۲۷۱-۲۹۱.

ب. عربی

- عبدالکریم زیدان (۱۴۰۹ ق) *نظام القضاء فی الشریعة الإسلامیة. الثانية. عمان-الاردن: مؤسسه الرسالة مکتبة البشائر.*

ج. انگلیسی

- Annane, Djillali & et al. (2019) "Academic Conflict of Interest." **Intensive Care Medicine**, Vol 45, Issue 1, pp. 13-20.

- Baker, Janine Griffiths (2002) **Serving Two Masters: Conflicts of Interest in the Modern Law Firm**. Portland, Oregon: Hart Publishing.
- Cliza, Marta-Claudia (2017) "Conflict of Interests' Regulation on Elected Officials." **Lex ET Scientia International Journal**, Vol 24, No 1, pp. 79-87.
- Copeland, Denise A. (1988) "Conflicts of Interest in the Mega-Firm." **Journal of the Legal Profession**, Vol 13, No 255, pp. 255-262.
- Davis, Michael, and Andrew Stark (2001) **Conflict of Interest in the Professions**. New York: Oxford University Press.
- Demmake, Christoph & et al (2020) **The Effectiveness of Conflict of Interest Policies in the EU-Member States**. European Union.
- Demmke, Christoph & et al (2008) **Regulating conflicts of interest for Holders of Public Office in the European Union**. Maastricht: EIPA.
- Donaldson, Molla S & Alexander M Capron (1991) **Patient Outcomes Research Teams (PORTS): Managing Conflict**. Washington, DC: The National Academies Press .doi:10.17226/1821.
- Garattini, Livio, and Anna Padula (2019) "Conflict of interest disclosure: striking a balance?" **The European Journal of Health Economics** (Springer) Vol 20, No 5, pp. 633-636.
- Gneezy, Uri, and Aldo Rustichini (2000) "A Fine Is a Price." **Journal of Legal Studies**, Vol 29, No 1, pp. 1-18.
- Griffiths-Baker, Janine, and Nancy J Moore (2012) "Regulating Conflicts of Interest in Global Law Firms: Peace in Our Time?" **Fordham Law Review**, Vol 80, No 6, pp. 2541-2567.
- Grundy, Quinn & et al (2018) "Decoding disclosure: Comparing conflict of interest policy among the United States, France, and Australia,." **Health Policy**, Vol 122, Issue 5, pp. 509-518.
- Hurst, Samia A, and Alex Mauron (2011) "Trustworthiness in Conflict of Interest." **American Journal of Bioethics**, Vol 11, Issue 1, pp. 40-41.
- In Re Equitable Office Bldg. Corporation*, 83 F. Supp. 531. (1949). 78476 (United States District Court for the Southern District of New York, January 7). Accessed September 11, 2020. <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/83/531/1430757/>.
- Kahlmus, Terry (1980) "Conflict of Interest: Duty to Disclose or Duty to Protect Confidences." **Journal of the Legal Profession**, Vol 5, Issue 1, pp. 209-216.

- Kaufmann, Dan, and Alan I Widiss (1963) "California Conflict of Interest Laws." **Southern California Law Review**, Vol 36, Issue 2, pp. 186-207.
- Kurlantzick, Lewis & B.J .Pivonka (2014) League Ownership of Teams, Conflicts of Interest, and Personnel Exchanges. **Fordham Intellectual Property, Media and Entertainment Law Journal**, Vol 24, Issue 4, pp. 997-1028.
- MacDonald, Chris, & et al (2002) "Charitable Conflicts of Interest." **Journal of Business Ethics**, Vol 39, Issue 1-2, pp. 67-74.
- Moore, Don A & et al (2005) **Conflicts of Interest: Challenges and Solutions in Business, Law, Medicine, and Public Policy**, New York: Cambridge University Press.
- Morreim, Haavi (2004) "Conflict of interest. In: Reich WT." In **Encyclopedia of Bioethics**, New York: Macmillan.
- OECD (2020) **Recommendation of the Council on OECD Guidelines for Managing Conflict of Interest in the Public Service**. OECD/LEGAL/0316.
- OECD, and UNODC (2020) **Preventing and Managing Conflicts of Interest in the Public Sector**. G20 Anticorruption Working Group.
- Peters, Anne (2012) "Conflict of Interest as a Cross-Cutting Problem of Governance." In **Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance**, by Anna Peters and Lukas Handschin, pp 3-38. Cambridge: Cambridge University Press.
- Puscasu, Andrei-Lucian (2014) "Conflict of Interest Offence." **Lex ET Scientia International Journal**, Vol 21, Issue 1, pp. 133-139.
- Raimondi, Guido (2009) "Conflicts of interest." **IGDS (ILO)**, Vol 68, No 1, pp. 1-5.
- Reed, Quentin (2009) **Sitting on the Fence: Conflicts of Interest and How to Regulate Them**. Bergen: U4 Anti-Corruption Resource Centre.
- Reed, Quentin (2010) "Regulating conflicts of interest in challenging environments: The case of Azerbaijan." **U4 Anti-Corruption Resource Centre**, Vol 2. No 1, pp. 5-18.
- Resnik, David B, & et al (2017) "Conflict of Interest and Funding Disclosure Policies of Environmental, Occupational, and Public Health Journals." **Journal of Occupational and Environmental Medicine**, Vol 59, Issue 1, pp. 28-33.
- Sah, Sunita, and Daniel Feiler (2020) "Conflict of Interest Disclosure with High-Quality Advice: The Disclosure Penalty and the Altruistic Signal." **Psychology, Public Policy, and Law**, Vol 26, Issue 1, pp. 88-104.

- Sandu, Adriana Magdalena, and Daniela Stanciulescu (2017) "The Conflict of Interests and the Public Servant Incompatibility Regime." **Journal of Law and Public Administration**, Vol 3, Issue 6, pp. 118-122.
- Schenk, Linda, and Gunnar Johanson (2021) "Management of Bias and Conflict of Interest among Occupational Exposure Limit Expert Groups." **Regulatory Toxicology and Pharmacology**, Vol 123, No 104929, pp. 1-12.
- Soloveicik, Deividas, and Karolis Simanskis (2017) "The Evolving Concept of Conflict of Interests in the EU Public Procurement Law." **European Procurement & Public Private Partnership Law Review**, Vol 12, Issue 2, pp. 112-131.
- Sukhorolskyi, Petro, and Valeriia Hutsaliuk (2020) "Processing of Genetic Data under GDPR: Unresolved Conflict of Interests." **Masaryk University Journal of Law and Technology**, Vol 14, Issue 2, pp. 151-176.
- Valsan, Remus (2016) "Fiduciary Duties, Conflict of Interest, and Proper Exercise of Judgment." **McGill Law Journal**, Vol 62, Issue 1, pp. 1-40.

